



# روزی روزگاری در جزیره؛ نبرد تاج و تخت

صفحه ۵




شماره

۴

نبرد روهر، جذاب تر از همیشه


صفحه ۱۱

سعی و تلاش تیم فوتبال پلاس این است که بتواند اتفاقات و بازی های رخ داده درون مستطیل سبز را از نگاهی دیگر مورد بررسی قرار دهد . امیدواریم با حمایت شما بتوانیم به این هدف دست پیدا کنیم .

 @footballplus98

عضویتیم تحریریه فوتبال پلاس شوید

 @footballplusir98

 @footballplusir

سردبیر: حسین باقرشاهی

طراح: مهران تاجیک

تیم تحریریه:

حسین باقرشاهی

مهران تاجیک

امیرکرفسی

رضایونسی

محمد رضا سپان دولتخواه

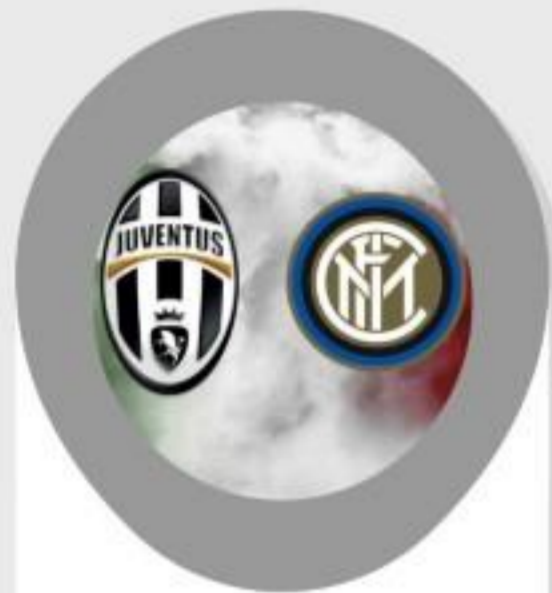
سید محمد هادی محبی

کامبیز دیوسالار

سجاد روشنی



# فهرست



مروری بر دربی ایتالیانو

۹



فوتبال ایران، مدیون تبریز  
ویک تراکتور بلند پرواز

۸



دربی بزرگ که  
کوچک بود!

۷



روزی روزگاری در جزیره؛  
نبرد تاج و تخت

۵



سرکوب یک احساس فقط  
آن احساس را قویتر میکند

۴



کوئیز

۳



دوراهی شرف  
وژن

۱۹



نورنبرگ شکارچی  
بزرگان

۱۸



دلاراز ناصر  
بنزین از کیمپمبه

۱۷



عصای آلمانی  
همان پاروی ایرانی

۱۶



مرور بازی های لیگ  
قهرمانان و لیگ اروپا

۱۳



نبرد روهر  
جذاب تر از همیشه

۱۱

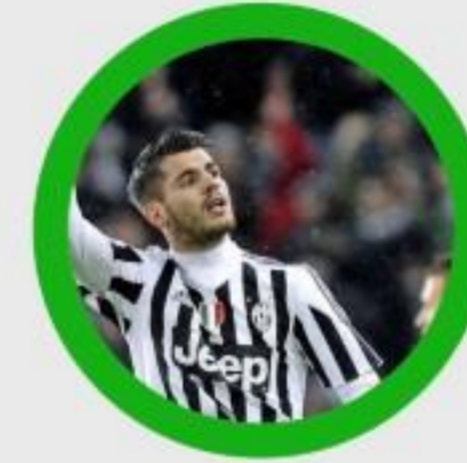
# کوئیز

پاسخ کوئیزها در شماره بعدی در همین صفحه

## شناسایی تیم

## شناسایی بازیکن

با این بازیکنان هم تیم بوده است



آلواروموراتا



مایکل کریک



ماسکرانو

برنده این جام ها شده است



پریمیرلیگ



سری آ



لیگ قهرمانان



پاسخ کوئیز شماره قبلی : ناپولی

پاسخ کوئیز قبلی : کریس رونالدو

# سرکوب یک احساس فقط آن احساس را قویتر میکند

## سید محمد هادی محبی

پشت روح آرام کاتالونیا در قصر موسیقی کاتالان، روح آرام کاتالونیا با دیدن شاهکار های خوان میروی نقاش و مارسل مارتی مجسمه ساز، یک روح آشفته، پریشان و پر دغدغه قرار دارد. روحی با اندیشه ی جدایی و نمایان کردن قدرت؛ یک دیالوگ معروف است که میگوید سرکوب یک احساس فقط آن احساس را قویتر میکند. در کاتالونیا همیشه بود با زبان بومی صحبت کرد، در آنجا از حکومت منطقه ای و بومی خبری نبود. پس بارسلونا با گردنی کلفت، با قدرتی شگفت انگیز و با نظمی اعجاب آور با اتیکتی از نماد کاتالونیا روی کار آمد. باشگاه بارسلونا قرار بود اسپانیا و جهان را منقلب کند. از افسانه تا فضا، از کرابوف افسانه ای تا مسیه فضایی. از بی اشتباه تا خوش خدمت، از ژاوی تا بوسکتس، همه و همه وظیفه ی منقلب کردن جهان را داشتند. هفته گذشته بارسلونا به دنبال امضا کردن سند بیست و ششمین قهرمانی در لالیگا بود. مسی از فضا به زمین آمد و در دقیقه ۶۲ بازی با لوآته سند را امضا کرد. بله، درسته بارسلونا یک کاپ دیگر را به ویتترین پر بارش اضافه کرد. حالا اسپانیا توسط بارسلونا غارت شده است اما طبق گفته های بارتومئو (مدیرعامل بارسلونا)، هدف بارسلونا کسب سه گانه است. در این فصل هم مثل هر فصل مسی همه کاره بود، گل میزد، گل میساخت و به خاطر همین است که مورینیو در خطاب به مسی گفت: مسی، آقای خاص تمام تاریخ است. بارسلونا باید هر روز با خودش تکرار کند قدرت زیاد، مسئولیت زیاد میاورد و با توجه به این جمله به سمت فتح سه گانه پرواز کند.



داستان شش تیم برتر انگلستان زمانی تغییر می کند که دو هفته به پایان لیگ باقی مانده است. حرکت منچستر سیتی و لیورپول برای قهرمانی و باخت های تاتنهام و چلسی، وضعیت را در جدول عوض می کند. فاصله ی تقریباً نه امتیازی لیورپول و منچستر سیتی با تاتنهام که در رده ی سوم جدول قرار دارد، فاصله ی زیادی به نظر می رسد و اختلاف پنج امتیازی بین تاتنهام و منچستر یونایتد که در رده ی ششم قرار گرفته، آنقدرها هم فاصله ی زیادی نیست. فرار لیورپول و منچستر سیتی، جدای نبرد تن به تن آن ها برای فتح لیگ جزیره، سهمیه ی لیگ قهرمانان آن ها را برای فصل بعد مسجل کرده و تنها دو جای خالی برای چهار تیم دیگر می ماند. دو جای خالی برای نبرد در بیرون دیوار وستروس، این بار با دیگر تیم های اروپایی.



### مقر فرماندهی، لندن، تاتنهام هاتسپر

به عقیده ی خیلی ها، باخت به چلسی در هفته ی ۲۸ و تساوی در مقابل آرسنال در هفته ی بعد از آن تاتنهام را از کورس سهمیه عقب انداخت اما سه برد از شش بازی آخر در لیگ امید را در دل هواداران این تیم زنده کرد. دو بازی با بورنموث و اورتون در هفته های پایانی لیگ آنقدر حساس است که یک لغزش کوچک، آن ها را از کسب سهمیه دور می کند. صعود به مرحله ی نیمه نهایی و شکست در بازی رفت در مقابل آژاکس آمستردام شاید پایان عملکرد آنها در این دوره ی لیگ قهرمانان باشد اما برای حضور در دوره ی بعدی نیازمند شش امتیاز باقی مانده اند. شش امتیاز تا پایان لیگ و کسب عنوان سومی لیگ جزیره و مهم تر از آن، سهمیه لیگ قهرمانان اروپا.



### روزی روزگاری در جزیره؛ نبرد تاج و تخت

این روزها همه با « بازی تاج و تخت » آشنا هستند. جایی که هفت پادشاهی برای به دست آوردن قدرت با هم می جنگند تا با شکست دادن دیگران، به سرزمین پهناور « وستروس » حکومت کنند. جایی که هر خاندان برای به قدرت رسیدن دست به هر کاری می زند. از کشتن برادر تا خیانت به پدر. اما شاید دنیایی که جرج آر. آر. مارتین خلق کرد بی شباهت به دنیای فوتبال نباشد. دقیق تر بگوییم، انگلستان.

### کمی آن طرف تر، باز نشنگان استنفورد بریج

چلسی با چهار برد، سه تساوی و تنها دو باخت عملکرد قابل قبولی را از خود نشان داده است. اما با این حال در پایان هفته ی ۳۶ ام لیگ جزیره با دو امتیاز کمتر از خروس های لندنی در رده ی چهارم قرار دارد. جدایی احتمالی هازارد شاید بدترین اتفاق ممکن برای چلسی باشد. او که با ۱۶ گل، بهترین گلزن چلسی لقب دارد بزرگ ترین امید این برای کسب سهمیه ی لیگ قهرمانان است. آمادگی بالای این روزهای او در کنار بازیکنان با تجربه ای مثل هیگواین و یا پدرو در خط حمله، میتواند چاره ای برای این روزهای سخت باشد. حضور در نیمه نهایی لیگ اروپا و تساوی برابر فرانکفورت، امید چلسی را برای فینال لیگ اروپا زنده نگه داشته اما از آن مهم تر دو پیروزی برابر واتفورد و لستر سیتی در دو هفته ی پایانیست تا لیگ را با نتیجه ی دلخواه تمام کنند





### جزایر آهنین تاج و تخت، توپچی های لندن

آرسنال که روز های خوبی را به عنوان نماینده ی دوم انگلستان در نیمه نهایی لیگ اروپا سپری می کند، در لیگ هنوز هم شانس کسب سهمیه ی لیگ قهرمانان اروپا را دارد. برد سه بر یک در مقابل والنسیا شاید کار را در مرحله ی برگشت برای آرسنال راحت تر کرده باشد تا این بار برای برد در لیگ جزیره پا به میدان بگذارند. برد مهم مقابل منچستر یونایتد در هفته ی ۳۰ ام شاید عامل اصلی اختلاف این دو تیم باشد. هر چند که این اختلاف قابل اطمینان نیست اما در شرایط کنونی لیگ جزیره، شاید همان یک امتیاز همه چیز را زیر و رو کند. برایتون و برنلی که در نیمه ی پایینی جدول به سر می برند بر روی کاغذ شانس زیادی را به آرسنال می دهند اما بیشتر از هر چیزی، اشتباه تیم های بالای جدول لازمه ی کسب سهمیه برای این تیم با انگیزه است.

### شیاطین سرخ، لنیستر ها همیشه بدهی خودشون رو پرداخت می کنند.

این روز های منچستریونایتد شاید کمی تلخ تر از هر دوره ی دیگری به چشم بیاید. پر افتخار ترین تیم لیگ جزیره در حالی ششمی جدول را از آن خود دارد که مدت هاست نتوانسته بالاتر از چلسی و تاتنهام، خود را به سهمیه ی لیگ قهرمانان نزدیک کند. برخلاف تیم های دیگر، قرمز ها در هیچ کدام از رقابت های اروپایی حاضر نیستند. حذف در برابر بارسلونا در یک چهارم نهایی لیگ قهرمانان اروپا، پایان تلخ شاگردان سولشر بود تا کار را در لیگ جزیره دنبال کنند. کسب سهمیه ی لیگ قهرمانان شاید بیشترین تاثیر را بر روی ترکیب این تیم بگذارد. زمزمه های پیوستن پوگبا به ارتش کهکشانی زیزو، قدرت خط میانی این تیم را بیش از پیش ضعیف تر می کند. اما تمام این نگرانی ها وقتی بیشتر می شود که تیم، نتواند در لیگ قهرمانان حاضر باشد. باید دید شیاطین خوش حساب لیگ جزیره این بار هم به وعده های خود جامه ی عمل می پوشانند یا خیر.



میتوان گفت با تمام شدن بازی های رو در روی این تیم ها، همه چیز به بازی های باقی مانده بر می گردد. بازی هایی که حکم مرگ و زندگی را برای همه ی تیم ها دارد. باخت و شاید حتی تساوی در هر کدام از این بازی ها به منزله ی از دست دادن سهمیه می شود و حالا که چیزی به پایان نمانده، روایت لیگ جزیره از هر زمانی بیشترین شبیه به بازی تاج و تخت می ماند. یک رهبری مناسب و درخشش سر باز های گران قیمت میتواند افتخار را دوباره به خانه هایشان برگرداند تا طرفداران تا مدت ها به یاد داشته باشند. همانطور که این فصل لیگ جزیره را به یاد خواهند سپرد.

# دربی بزرگ که کوچک بود!

محمد رضا سیپان دولتخواه



بازی همانطور که پیش بینی می شد با حمایت عجیب و غریب هوادار ای تیم گالا شروع شد استادیوم ترک تلکام رکورد دار بیشترین تولید صدای انسانی در جهان این بار هر چند رکوردشو دوباره افزایش نداد اما ثابت کرد که خوب میتونه یادش میمومه اتفاق های داخل زمین رو ...

جایی که بوراک ایلماز بازیکن سابق تیم گالاتسرای که ۴ سال سابقه جنگیدن و گلزدن برای نارنجی و زرد پوش ها داشت، برگشته بود و این بار با لباس مشکی نماینده عقاب ها بود در نوک پیکان حمله ی تیم بشیکتاش .

بشیکتاش اگه بازی رو میبرد ۵۲ امتیازی می شد و میرفت میچسبید به باشاکشهر و انتظار از دست دادن تک امتیاز رو می کشید تا قهرمان بشه ... قهرمانی گونش سرمربی ایی که حالا منهی چالش برای کسب مکانی در جدول رده بنده لیگ ترکیه حالا باید کم کم به فکر تیم ملی هم باشه ، خیلی ها امید دارن بتونه یک بار دیگه تیمی مثل تیم خارق العاده ۲۰۰۲ رو جمع و جور کنه .

در سمت دیگه اما اسلان ها به نظر آماده تر میومدن امپراتور که چندین چندین سال میشه به صورت چند پاره سرمربیگری تیم گالا رو به عهده داره این بار تیم خوبش رو که ابتدای فصل یه خورده دور از تیم صدر جدول و تیم باشاکشهر میدید خوب تونسته بود به سه امتیازی صدر برسونه و دو تساوی و دوباختی که تیم باشاکشهر تجربه کرد باعث شد اون ها مسیر کوتاه تری رو تا صدر تجربه کنند .

بازی بر خلاف تصور خیلی چنگی به دل نزد استرس به قدری بالا بود که کمتر صحنه های زیبای فوتبالی دیدیم اما تا دلتون بخواد قاب های زشت غیر فوتبالی ؛ جنجال ، دعوا، بحث و ...

اما در نهایت شیر های استانبول تونسته بایه پیروزی دو بر صفر تو دربی اورپایی استانبول به لطف تفاضل گل بهتر به صدر جدول صعود کنند .

قهرمانی اون ها حالا کاملا دست خودشون هستش و میتونن با پیروزی مقابل باشاکشهر تو بازی های آتی بدون چون چرا جشن قهرمانی برگزار کنند .

دربی گالا بشیکتاش چیزی شبیه یک بازی پر جنجال و بی روح که میزبان قصد پیروزی داشت ... به هر قیمتی ...



# فوتبال ایران، مدیون تبریز و یک تراکتور بلند پرواز

سید محمد هادی محبی



با یک پرواز بلند میرویم به قلب تبریز؛ میخواهیم به جایی پرواز کنیم که محال است با دیدن فرهنگ، صنعت و اماکن تاریخی اش از هوش نروید. ولی اینجا میخواهیم از قدم بزرگ تبریز در راه پیشرفت فوتبال کشورمان حرف بزنیم. داستان از آنجا شروع شد که عباس الیاسی (سرپرست و مدیرعامل باشگاه تراکتورسازی) در یک شب غیر عادی خواب دید و آن هم چه خوابی! خواب شیخ منصور، مالک باشگاه منچستر سیتی، خواب پل آلن، میلیاردر آمریکایی و مالک باشگاه سیاتل آمریکا و بعد از آن شب سرنوشت ساز تصمیمیم به واگذاری و خصوصی سازی تراکتورسازی گرفت. هیچ چیز عادی نبود چرا که در فوتبال ایران خصوصی سازی مد نبود. باشگاه تراکتورسازی که در سال ۱۳۴۹ تاسیس شده بود تا سال ۸۸ در اختیار تراکتورسازی ایران بود و پس از آن در اختیار سپاه پاسداران قرار گرفت و حالا قرار بود خصوصی شود. این تصمیم کافی بود تا سیل عظیم خواستگار برای تراکتور از آسمان ببارد. مثل هر آدم متمدن، مثل هر شاهزاده، تراکتورسازی پر از خواستگار بود و در نهایت گرگ های سرخ ایران در اختیار سرمایه گذار و میلیاردر ایرانی محمدرضا نوزی قرار گرفتند. تراکتوری ها در پوست خود نمی گنجیدند و بلند فریاد میزدند: "دایم باشا تراکتور"، "تا ابد زنده باد تراکتور". همه ی این اتفاقات آغازی بر یک درام هیجان انگیز بود. قدم اول انتخاب جان توشاک سرمربی سابق رئال مادرید و تیم ملی ولز بود. بعد از آن در قدم دوم تراکتور ستاره باران شد و دژ آگه، شجاعی و حاج صفی سه کاپیتان تیم ملی به تیم تزریق شدند تا تبریز از فرط شوق منفجر شود. همه ی کار های تراکتور تبلیغی بر سناریوی خصوصی سازی باشگاه ها بود. از این پس سرخابی های پایتخت هم باید تصمیم بگیرند، تصمیمی با طعم خصوصی سازی! استقلال و پرسپولیس سالهاست مالک مشترکی به نام وزارت ورزش دارند. اما اینکه چرا باشگاه ها نمیخواهند بدهی هایشان سبک تر شود یا در اسپانسرینگ آنها تحول ایجاد شود در هاله ای از ابهام است. شاید از این میترسند که اسیر مالکان بی لیاقت شوند و تیم نابود شود. با همه این اوصاف پیشرفت فوتبال ایران مدیون تبریز و یک تراکتور بلند پرواز است.

## مروری بر دربی ایتالیانو



سجاد روشنی

چند وقتی است که دیگر آن هیجان و حساسیت خاص و ویژه این بازی از دست رفته است و فقط به عنوان بازی حیثیتی بین طرفداران دو تیم برگزار می شود.

ایتترناسیوناله رده سومی با سیستم ۱-۳-۲-۴ آقای اسپالتی و یوونتوس قهرمان زودرس ۱۹-۱۸-۲۰ و ۸ فصل متوالی کالچو با ترکیب ۳-۳-۴ آقای الگری در چهارچوب هفته ۳۴ ام سری آ به مصاف هم رفتند.

در سن سیره با سوت آقای بانتی بازی آغاز شد. هجومی بازی کردن نراتزوری در همان دقایق نخست نیمه اول باعث به هم خوردگی دفاع یووه شد. در دقیقه ۷ بازی، کرنر ارسالی بازیکنان ایتتر با دفع بونوچی همراه بود و در برگشت پولیتانو، هافبک ایتتر، با یک پاس زیبا توپ را به راجا ناینگولان فرستاد و این ستاره بلژیکی با یک شوت زیباتر دروازه شزنی را برای ۲۴ امین بار در این فصل باز کرد. باز هم برای ایتتر موقعیت گل پیش آمد. این بار ضربه خوب ایگاردی اما با عکس العمل بهتر شزنی توپ راهی کرنر شد. ایتتری ها کرنر را کوتاه شروع کردند و با سانتتری موج، ضربه سر مدافع نراتزوری، دی فرای، شزنی دوباره با واکنشی خوب، توپ را مال خود کرد.

در دقیقه ۱۷، پاس رونالدو به برناردسکی و شوت تماشایی او به بیرون رفت. بازیکنان اینتر باز هم روی کرنر صاحب موقعیت شدند که شوت ایگاردی در مجوطه یووه با برخورد به ماتویدی شانس نراتزوری از بین رفت. در دقیقه آخر نیمه نخست، شوت رونالدو از بالای دروازه هندانوویچ راهی اوت شد.

با شروع نیمه دوم، بیانکونری به خودش آمد. اما در دقیقه ۵۶م، ضربه آزاد نصیب اینتر شد. یک و دوی پریشیچ در یک کار تمرین شده با بروزوویچ، شوت محکم و زمینی پریشیچ از کنار دروازه عبور کرد. شاگردان الگری از دو سمت زمین، حملات زیادی را ترتیب دادند. در دقیقه ۶۰، ضربه رونالدو روی پاس زمینی کانسلو با برخورد به دی فرای گل نشد. در دقیقه ۶۲، بیانکونری به گل مساوی رسید. با پاس رو به عقب پیانیچ، رونالدو در موقعیت گلزنی قرار گرفت و شوت پای چپ این ستاره پرتغالی به راحتی وارد دروازه اینتر شد. در دقیقه ۷۰، همکاری ایگاردی و پریشیچ باعث شد وینگر کروات با شزنی تک به تک شود اما شوت این بازیکن را دروازه بان لهستانی به زیبایی به کرنر فرستاد. در دقیقه ۷۶، ساترارسالی اسپیناتزولا و ضربه از راه دور پیانیچ، نزدیک بود وارد دروازه شود که هندانوویچ توپ را گرفت. در دقیقه ۷۸، شوت امره جان با اختلاف بسیار کم از بالای دروازه اینتر به بیرون رفت. در دقیقه ۸۰، شوت از راه دور ژائو ماریو را شزنی به کرنر فرستاد. در دقیقه ۸۳، شوت از راه دور مارتینز به بیرون رفت. در دقیقه ۹۰، حرکت رونالدو و پاس وی به داخل محوطه را پیرامی توانست از یک قدمی دروازه به گل تبدیل کند اما دفاع عالی دی آمبروزیو، اینتر را نجات داد تا ۰-۶ امین مساوی این دربی ثبت شود. بعد از تساوی اینتر و یوونتوس در دربی ایتالیا، لوچانو اسپالتی در مصاحبه با اسکای از بازی گفت: در نیمه اول، کنترل بازی را در اختیار داشتیم و موقعیت های زیادی خلق شد. به خاطر اینکه گل زدن هیچوقت آسان نیست، ناچار بودیم کیفیت پاسکاری خود را در همان سطح حفظ کنیم. با شروع نیمه دوم دیگر نتوانستیم این کار را انجام دهیم. یوونتوس هجومی تر شد و ما کیفیت پایین تری داشتیم. زیاد توپ از دست دادیم و آنها به محض اینکه به فضایی کوچک دست پیدا کردند، کار را تمام کردند.

ماسمیلیانو الگری پس از بازی در گفتگو با DAZN گفت: مهم است کسی مانند رونالدو داشته باشید زیرا قبل از گلزنی، روی یک موقعیت دیگر اشتباه کرد اما واکنش او به موقعیت از دست رفته، عملکردش را تغییر داد. خطر آن وجود داشت که ۲-۰ عقب بیفتیم اما در نیمه دوم خوب کار کردیم. آسان نبود. اینتر تیم قدرتمندی است. باید از بچه ها تمجید کنم زیرا بازی را خوب به پایان رساندیم.

کریستیانو رونالدو، ستاره یوونتوس که تک گل تیمش را به ثمر رساند، ششصدمین گلش در مسابقات باشگاهی بود.

# نبرد روهر جذاب تر از همیشه

رضا یونسی



یکی از مهمترین دربی های جهان فوتبال در آلمان و بین دو تیم صاحب نام آلمان بورسیا دورتمند و اف سی شالکه برگزار می شود. از زمان تاسیس این دو باشگاه رقابت بین آنها شکل گرفت چرا که دو تیم از یک منطقه به نام نوردراین وستفالن یا همان به اصطلاح روهر پیش از پیش در فوتبال آلمان مطرح شدند و به تدریج رقابت و دشمنی عمیقی بین این دو تیم شکل گرفت. پایه اولین کینه و دشمنی توسط شالکه گذاشته شد که زمان این بازی بر می گردد به سال ۱۹۶۰ و قبل از بنیان گذاری بوندسلیگا که در آن زمان دورتمند با اختلاف دو امتیازی با بایرن آماده می شد و آخرین بازی دورتمند پیش از قهرمانی با شالکه ۴-۰ بود که در آن بازی بورسیا دورتمند در دیداری جذاب نتیجه را ۴-۳ واگذار کرد و دستش از قرمانی کوتاه ماند و دقیقا یک دهه بعد دورتمند این حرکت معدن چی ها را تلافی کرد و با شکست ۳-۰ شالکه شوکه کرد و دست شالکه از اولین کاپ بوندسلیگایش کوتاه شد. باید گفت رقابت این دو تیم پیش از هر تیم دیگری به نفع بایرن موتیخ تمام شده است و بایرن مونیخ بسیاری از سینی های نقره ای خود را مدیون این دشمنی است.



. جذاب ترین دربی در تاریخ این دو باشگاه فصل پیش برندی از این دربی و معرفی نامه ی ان بود رقابتی که یک فوتبال تمام عیار بود و فراتر از ان دیداری که در خانه ی دورتمند انجام شد. دورتمند در نیمه اول چهار گل زد و درست زمانی که طرفداران دورتمند در خواب خوش پیروزی پر گل و تحقیر دشمن همیشگی خود بودند شالکه با کامبکی باور نکردنی شکست را با مساوی عوض کرد.

اما این فصل همه چیز فرق می کرد شالکه در نیمه ی پایین جدول و نزدیک به جایگاه سقوط و بورسیا دورتمند در حال رقابت با بایرن مونیخ بر سر قهرمانی در بوندسلیگا در این زمان اکثر کارشناسان پیش بینی پیروزی دورتمند در دربی پیش رو را داشتند اما از یک چیز غافل بودند شالکه در هر وضعیت و شرایطی که باشد تمام قدرت و انرژی خود را برای رویارویی با دشمن خود میگذارد و شالکه ای که بی نظم ناهماهنگ و بی انگیزه بود در مقابل دورتمند متفاوت از کل فصل و فوتبالی در کلاس بالا ارائه داد.

البته که در این رقابت نکته ای که توی ذوق میزند حرکات ضد فوتبالی و توهین امیز طرفداران شالکه است که هر سال نمود متفاوتی دارد امسال پس از گل که دورتمند در بازی به ثمر رساند. فندکی از جایگاه تماشاچیان شالکه پرتاب و به صورت سانچ اصابت کرد پس از ان ضعف دورتمند در جنگ روانی نمودار شد و تاوان این جنگ روانی و اعصابانیت بازیکنان دورتمند رفتار هواداران شالکه سبب نه نفره شدن دورتمند با اخراج رویس و ولف شد با همه این مسائل دورتمند در اواخر نیمه دوم در حال جبران نتیجه بود که شالکه با استفاده از منطقه ی خالی زمین به دلیل نه نفره شدن و شلیک دقیق ایمبولو اب سرد بر پیکره زردها ریخت و بیش از این ها شالکه از حذف کردن دورتمند از رقابت قهرمانی شادمان شدند .



فقط دو قدم تا لمس معجزه!

آژاکس و بردن تیم های بزرگ حالا بر ایمان آن قدرها هم عجیب نیست. در واقع موضوع اینجاست انقدر نمایش های شاگردان تن هاگ فوق العاده بوده است که اگر آن ها بازی ها را نبرند برای همه شوک برانگیز است.

اینبار اما قرار بود بازی کمی متفاوت تر باشد. در واقع اسپرزی که قرار بود در روی هلندی ها بایستد هم به شکل یک قهرمان مرحله ی قبل را پشت سر گذاشته بود جایی که کیسه پول های مدیران سیتی نتوانستند راه صعود را پیش بگیرند. آری دو تیم مصداق بارز جمله ی معروف یوهان کرایف کبیر بودند و مهمان های ناخوانده اما محترم این مرحله به شمار میرفتند.

نیمه ی نخست با شلیک فن ده بیک و بازی گردانی تیم هلندی در زمین تاتنهام گذشت جایی که گویی آن ها داشتند در خانه فوتبال بازی میکردند و خیلی

راحت و با چشمان بسته همدیگر را پیدا میکردند.

هرچند پوچتینو هرکاری کرد نشد که بشود ولی هنوز ۹۰ دقیقه ی دیگر در پیش دارد جایی که شاگردان تن هاگ فقط دو گام دیگر با لمس افتخار و کامل کردن ماموریت غیر ممکن فاصله دارند.

## مرور بازی های لیگ قهرمانان اروپا

سه شنبه و چهارشنبه شب هفته گذشته رقابت بین ۴ تیم باقی مانده برای رسیدن به فینال واندا مترو پولیتانو رقابت های لیگ قهرمانان اروپا آغاز شد. در این بخش از هفته نامه فوتبال پلاس مروری خواهیم داشت بر بازی های دور رفت مرحله نیمه نهایی رقابت ها. پس با ما همراه باشید

حسین باقرشاهی



## اینجا خود فوتبال است نه معبد فوتبال!

نبرد بزرگ نیمه نهایی لیگ قهرمانان اروپا در نیوکمپ برگزار شد. جایی که حرف های تند کلوپ خشم والورده و شاگردانش را بر افروخت. درست روز قبل مسابقه بود که کلوپ با بیان اینکه نیوکمپ را معبد فوتبال نمیداند جنجال های زیادی درست کرد. در واقع کلوپ معمولا مربی است که بین هوادار ان حریف هم محبوب است ولی اینبار اوضاع متفاوت بود. مسی مثل همیشه آرام بود. آرامشی قبل از طوفان بزرگی که قرار بود بهترین لیورپول تاریخ را با خود به منجلابی بزرگ بکشاند. منجلابی که از قبل منچستریونایتد و لیون در حال غرق شدن بودند. کارگردان تلوزیونی اما خوشحال تر از همیشه بود چرا که آن شب فقط مسی را به عنوان سوژه ی اصلی نداشت. فن دایک هم قرار بود نقش اصلی این فیلمنامه را بازی کند ولی انسان های ترسو هیچگاه نمیتوانند ستاره ای باشند که اسکار را به خانه میبرند! بازی شروع شد و مسی باز هم با چوب جادویی اش شبی را از جنس لذت به فوتبال هدیه داد. جایی که ضربه ی کاشته ی او لبخند همیشگی کلوپ را از لبانش برچید تا باز هم فریاد "لئو لئو" در تمام ورزشگاه پیچد. هر چند قهرمان این داستان مسی و ترسوی آن فن دایک بود ولی بیایید از شاهکار تاکتیکی کلوپ هم نگذریم. جایی که مربی به این حد احساس ترس کند و این چنین محافظ کارانه آن هم جلوی بارسا در خانه اش بازی کند چه انتظاری میتوان از شاگرد داشت!



UEFA  
CHAMPIONS  
LEAGUE®

# مرور بازی های لیگ اروپا

حسین باقرشاهی

لیگ اروپا در حالی برگزار شد که جنگ اصلی بین لندنی ها برای پایان خوش برای یک فصل بد کماکان در جریان است. بازی اول بین فرانکفورت و چلسی در جریان بود. هرچند یوویچ ابتدا گلی را زد ولی در ادامه لندنی ها بازی را مساوی کردند تا امیدهای زیادی به صعود فینال داشته باشند. هرچند قهرمانی در این جام برای آن ها به اندازه رقیب قرمز لندنی شان مهم نیست چرا که توپچی ها به دنبال رسیدن به لیگ قهرمانان هستند در حالیکه شاگردان مائوریتسیو ساری از قبل حضورشان در جمع بزرگان اروپا را مسجل کرده اند.

امری که استاد بردن لیگ قهرمانان است شب درخشان دیگری را در ورزشگاه امارات برای هواداران رقم زد. هرچند تیمش ابتدا گل شوک کننده ای را دریافت کرد ولی در ادامه با یک کامبکی دیدنی در شبی که مهاجم های آماده اش به اندازه ی کافی سریع و خشن بودند رقم زد تا فینال را در یک قدمی خود ببینند.

۹۰ دقیقه مانده است و باید ببینیم آیا فوتبال یک فینال جذاب از جنس لندن بر ایمان کنار گذاشته است یا فصل صعود تیم های معجزه آسا قرار است تمام شود.





# عصای آلمانی

## همان پاروی ایرانی

امیر کرفسی



فاتحه اینم باید همین الان خوندم.

زمزمه کارگران کارخانه زیر لبهاشون بهد از انتصاب فرهاد بعنوان ریئس جدید شرکت.

اوناه که دیگه خیلی وقته به این تغییر سمتها در رده های بالا کارخانه عادت کرده بودند ، سرنوشت مدیر جدیدو جوان رو همون اول پیش بینی کردند .مدیری که خودش زمانی پا به پای این کارگرا کار میکرد و از جون مایه میزاشت ناگهان وسط راه و درست زمانی که خط تولید بهش نیاز مبرم داشت ، بایک کارخانه قطری توافق کرد و مدیر مالی آن جا شد. از آن روز تا امروز رونق تولید و صادرات به معضـل تحریم و واردات بدل شده.کارخانه ای که زمانی کیفیت اجناسش در اندازه های ISO ۹۰۰۱ آسیا بود، و دوبار هم برترین برند آسیا شده بود در طی این سالها با تغییرات فراوان در راس کار و عدم داشتن ماشین آلات و ابزار اولیه به دلیل تحریمها ، جایگاه ثابت خودش رو در میان برترین ها به رقبای خارجی داخلی پیشکش کرد.دو سال پیش بود که هیئت رئیسه کارخانه پس از آن افتضاح توقیف اجناس در بندر العین، بالاخره تصمیم به اتخاذ یک راهکار منطقی گرفتند و با اخراج مدیر پروژه سابق که هنوز نی خواست به عدم توانایی در اداره امور بین المللی اعتراف کند، یک پیرمرد آلمانی بهمر اه کادر ، کار دانش را به استخدام خودشان در آوردند.شفر که از آخرین سابقه کاریش در امارات ۲ سال گذشته بود ،هدفش در بدو ورود به کارخانه هدایت شیب نزولی کارخانه به سمت بام آسیا بود.سال اول بازده کارخانه رو از منفیه ۶٪ به مثبت ۴۴٪ رسوند . اون که مانند سایر ژرمنها اهمیت بالای برای کیفیت انجام کار و اهمیت به آن قائل بود ، با خود یک تیم قوی مدیریت آورده بود و در ادامه با آوردن مسئول آماده سازی ازبک و مدیر تولید سنگالی کمیت رو بهمر اه کیفیت در کالاها احیا کرد . مدیرعامل وقت که شاهد رضایت ۹۰٪ مشتریان بود در یک عمل نسـنجیده و به دور از ذره ای کارشناسی با افراد صاحب دانش ، درست شب قبل از جشن شور ای رقابت در خرمشهر قرار داد شفر را بامبلغی نجومی (چهار برابر قرارداد قبلی) برای دو سال دیگر تمدید کرد . این درحالی بود که شرط تمدید قرار داد سابق منوط بر کسب تندیس برند سال ایران بود نه جلب رضایت مشتری!!

شفر که باورش نمیشد به این سادگی میشود پول پارو کرد سبک و سیاق آلمانی خود را برای اهلهش نگه داشت و از آن به بعد باشرکت در مجالس موفقیت و برنامه های تلویزیونی مربوطه تبدیل به یک مدیر ایرانی واقعی شد .مغز متفکر شفر که شرایط را اینطور دید دست در دست مدیر تولید و مسئول آماده سازی به مقصدی خارج از ایران راهی شدند . نکته مهم سال دوم این بود که پیرمرد آلمانی بدون حضور ساناک و همکارانش در خد همان مدیران اسبق ایرانیست متنها با تفاوتی ۱/۲ میلیوت دلاری...

تغییر پستههای ناخردانه ، عدم توانایی در حفظ نظم خطوط ، ارتباط با دلال ها و برقراری زد و بند و آوردن پسر و پسرعمو با مدرک جعلی به عنوان کادر مدیریتی جدید از شفر یک مدیر تعلیقی ساخت .

آلمانی هم که باشی ؛ با آن همه وجدان کاری ؛ با سیستم مدیریت در ایران و.ش میشود

# دلار از ناصر بنزین از کیمپمبه

امیر کرفسی



آفتاب پاریس سه ساعتی بود که پشت ترافیک نواب ابرها قفل شده بود. باران پاریسی ها را به رگبار بسته بود. مطابق ساعت ۱۰ صبح های دیگه، توماس کله خر از هارلی دیویدسونش پیاده شد و دستکشهای چرمش را برای لمس بسته های ۱۰۰ یورویی گرم میکرد. یک سالی میشد که ناصر خلاف اونو بعنوان باجگیر جدیدش استخدام کرده بود، چون با توانایی هایی که قبلا ازش دیده بود فکر میکرد که میتواند بالاخره یقه ی کاسبای محله UCL را بگیرد و حسابی تیغ بزنه تشون! ولی خب دوباره همون نحسی مغازه پنجم آن ها را گرفت، تو قنادی فرگی و پسران (فقط اوله) با اهمال و دستش کیمپمبه تو فرار دقیقه نود گیر افتادند و یه کتک حسابی خوردند. توماس که نتوانسته بود کار ناتمام زورگیرهای اسبق باند پاریس را تمام کند، تو فکر این بود که حداقل در پاتوقهای همیشه گیشون یه گرد و خاک اساسی به راه بیندازد و تلافی افتضاحش تو مرحله CL رو سره لوشامپیونه و اهالی Coupa de' france در بیاورد. از چهار راه تولوز تا میوه فروشی لیل دو دقیقه پیاده راه بود. طبق برنامه همیشه گی شان ابتدا امپا به با یک لگد در مغاز را باز میکرد و دو تا چک افسری خوابوند تو گوش شاگرد مغازه بیچاره و بعدشم توخل و کیمپمبه با یه ژست قلدر مآبانه ای آمدند و رفتند بالاسر دخل که ناگهان صاحب مغازه با پرتاب پنج گانه از یه میوه سیاه و سفت به نام پپه پپه تن و بدنشان را کبود و سر و صورتشون را خونین کرد. نفهمیدند یک باره چیشد که از تاناکور ایبه نانت و فلافل مون پلیه شش تا گولاخ ریختند داخل میوه فروشی و سه کله خر را تا میخورند زدند...

زیر اون همه مشت و کف گرگی توخل داشت درباره اینکه { اینا دیگه کی آدم } شدن اندیشه میکرد. خاطر آتش زنده کفاشی استر از بورگ با کارگران داخلش که حاضر نشدند پول مفت بهشون بدن هم اون وسط از ذهنش رد میشد که یک هوک چپه جانانه از طرف پرسنل که قرار بود تو صورت فلافل بخورد، دریافت کرد و هوشیار شد. دسته اون دو تای دیگر و هم گرفت و باهر فلاکتی بود باپولا در رفتند.

توخل که بعد از دو شکست پی در پی در طی مشورتی که با دنی آلوز گرفت داشت، دیگه زوال عقلش پاره شده بود. بلافاصله، زخمی از نبرد دوم وارد محله Coupe شد. اونجا یه برج خیلی شیک داشت که رئیسش بواسطه فیلمی که ناصر از رسوایی اخلاقی اش داشت به مدت چهار سال یه مبلغ هنگفتی رو چهار دستی تقدیم افراد ناصر میکرد. توخل هم با همین ذهنیت و در حالی داشت خون اطراف لبانش رو با دستمال پاک میکرد وارد لابی هتل شد و با تو مانیتور لابی متنیر و خوندش که تصمیم گرفت بعد از اونجا، هر جایی بره ال دفتر ناصر

“ دوران بزن و در رو تمام شده ”

امضا. مدیریت جدید؛ ازرن

مانیتور که خاموش شد پشت بندش صدای آژیر سرتاسر برج رو فرا گرفت و برعکس تصور ایران و ایرانی، پلیس با نیت حمله به رکورد صدمتر المپیک و الگوبرداری از جاستن گاتلین برج رو محاصره کردند. حالا دستکشهای چرمی که قرار بود اسکناس های نو و تانخورده را بغل کند، آغوش خشک و محکم دستبند آهنی تنها راه پیش رویش است.



## نورنبرگ شکارچی بزرگان

نورنبرگ تیمی متعلق به شرق آلمان با سابقه حضور مداوم در بوندسلیگای آلمان پیش از سال ۲۰۱۳ که به سقوط این تیم منجر شد را دارد. تیمی که امسال توانست به عنوان تیم دوم بوندسلیگا ۲ به بوندسلیگا صعود کند. در همان نیم فصل اول مشخص شد که تیمی در حد اندازه های بوندسلیگا نیست و در مناطق انتهایی جدول قرار گرفت با این حال نورنبرگ با دفاعی منظم و خطی با بستن کناره ها و متمرکز شدن در یک سوم دفاعی توانست اولین قربانی خود را بگیرد.



شکست ۲-۱ بورسیا دورتمند در مقابل این تیم یکی از موفقیت های این تیم در یک فصل حضور در بوندسلیگا بود اما نقطه ی اوج تاثیر گذاری این تیم به تعیین قهرمان مربوط میشود. به هفته ۳۱ جایی در خانه ی میزبان صدرنشین بوندسلیگا یعنی بایرن مونیخ بودند. بایرن مونیخی که در این هفته ها در اوج خود قرار داشت و با گلباران کردن حریفان راه خود را برای قهرمانی هموارتر می کرد، یک روز قبل از این بازی از آن جایی اهمیت پیدا کرد که بورسیا دورتمند در دربی روهر را با نتیجه سنگین واگذار کرد.

بله، بایرن در مقابل نورنبرگ متوقف شد که البته اگر نورنبرگ پنالتی دقایق پایانی بازی را از دست نمی داد همه چیز در جدول به حالت قبل باز میگشت یعنی تفاضل یک امتیازی بایرن مقابل دورتمند.

اما چه چیزی باعث شد که شاگردان کوچ که روز های خوبی را پشت سر می گذاشتند متوقف شوند؟ در اس دلایل به ماتنیا دروازه بان شایسته نورنبرگ میرسیم. دروازه بانی که با مهار دو تک به تک و حداقل پنج سیو دیدنی دروازه ی نورنبرگ را یک تنه بسته نگه می داشت. اما علت دوم سبک بازی دقیق و انالیز شده ی نورنبرگ بود به طوری که در مواقع دفاع برابر هر مهاجم بایرن چند مدافع حضور داشتند که البته این روش بایرن را به سمت نفوذ از جناحین و ساتر های بلند آورد که البته در مواقعی مثل گل تساوی بخش بایرن با حرکات فردی نفوذ به دهانه ی دروازه پاس قطری یه شوت منجر میشد که گنبری به زیبای این کار را عهده دار شده بود اما بیش از هر چیز ضد حملات و شوت های دقیق بازیکنان نورنبرگ مسمر ثمر بود. دقیقا مثل بازی دورتمند که دو گل از این راه به ثمر رساندند در مقابل بایرن نیز با این تاکتیک چندین بار دروازه ی بایرن را تهدید کردند اما باید گفت بوندسلیگا جذابیت خود در این هفته های پایانی مدیون تیمی است که سقوطش قطعی شده اما اگر قرمز ها در ادامه نتوانند قهرمان آلمان شوند هیچ گاه نام نورنبرگ را فراموش نخواهند کرد تیمی که یک تنه میان بایرن و سینی نقره ای بوندسلیگا ایستاد.

# دوراهی شرف

## وژن امیر کرفسی



پسر جوان و پر شور هر کاری میکرد تا محبت پدرانه یک پدر را بدست آورد.

فقط پسرها با همه وجودشون درک میکنند که شاد کردن پدری خسته و پیر (شکست خورده) که سالهاست تقعر لبانش رو به بالا نرفته راهکار دشواری برای تحکیم روابط تیره و تاره است.

پسر می خواست با اعلام خبر ازدواجش عروسی را در کوچه خانوادگی شان برگزار کند و رخت مشکی را از تن کوه غم کننده کاری کند.

اما پدر که خودش تو پروژة العین که تا اتمام موفقیت آمیزش ۴۰٪ مانده بود اما ناگهان تمام ثروتش رو در پیش هزار بن زائد جا گذاشت، فکر میکرد که دارد تک پسرش را هم از دست میدهد. کورکورانه عمل کرد و ریسه های مجلس را پاره و ریشه های این رابطه را سوزاند. پسر که دیگه تو آخرین و مهمترین تلاشش برا خشنودی پدر شکست خورده بود، نمی خواست تو تلاش کردن هم شکست بخورد و طرد شدن را به بازنده بودن ترجیح داد و بی اذن پدر همسفر کاروان عروس و همجواری امام هشتم شد.

یک سال برای سرپا شدن پدر و پر و بال گرفتن پسر خیلی زود بود اما پدر از ایستادنش به مدد عصای آلمانی دو ماه گذشته بود و پسر با نبوغ ارثیش مشغول به شغل بزرگی شده بود. پدر که آماده بستن قرارداد با یک شرکت مشهودی بود برای انعقاد آن وارد مشهود شد اما نمیدانست که صاحب شرکت پدیده مشهود همان پدر عروسش و مدیرش، همان پسر به ظاهر ناخلفش است. مذاکرات عجیب آغاز شد و پسر در همان ابتدا دریافت که شرکت آبی سازان (آبیامهر سابق) با تغییر پست های بیجا و برحسب رابطه روبه رو شده است و امضای قرارداد با آنها عاقبتی جز ورشکستگی ندارد.

حالا بهنام مانده بود و یک دوراهی...

یک راه به نگاه های پدرانه که سالها حسرتش را میکشید و یک راه به خشم خانواده پدری و رگ قبیله ای میرسید. زیر میز مذاکره زد و بازیر پا گذاشتن قرارداد چمدان مردانگی و شرافت رو با خود، سوی راه دوم برد.



